



نوشتنه از ع. بصیر دهرزاد

مفاهیم استقلال و آزادی از دیروز تا امروز و فرداها

ملت افغانستان در استقبال از یکصد سالگی بدست آوردن استقلال کشور قرار دارند. اهمیت تجلیل و بزرگداشت از استقلال و آزادی ملی با نتیجه گیری و پیامد های حوادث یکصد سال بعد از کسب استقلال متبازل میگردد. مفاهیم استقلال و آزادی ملی اکنون بدون شک به روان و احساس درونی و آرزو های ما برای امروز و فردا مبدل گردیده اند. این ناشی میگردد از عوامل و انگیزه های مختلف که تحریک کننده این احساس و روان ما به دو مفهوم استقلال و آزادی بحیث دو ضرورت برای موجودیت و بقا در سطوح ملت، جامعه و خواست های حقوق بشری افراد میباشند. استقلال تنها یک ترم سیاسی و احساساتی نیست بلکه یک احساس عمیق در روان ماست که با موجودیت آن ما به آرامش، اطمینان و رفع هر گونه رعب، ترس و تشویش نائل میگردیم. پس ما استقلالیت و آزادی را باید در مفاهیم تاریخی، زنده گی امروزی و فردا ها وبا تفکیک ملت، جامعه و فرد به ارزیابی گیریم و نتیجه گیری های خویش را از آن برونکش نمائیم.

قبل بر همه باید مفاهیم استقلال و آزادی را در یک تعریف کوتاه بیان دارم.

استقلال و آزادی هر دو از یک دیدگاه بیان یگانه را افاده مینمایند. اما در صورت که در انها مفاهیم ترکیبی دیگری مانند ملی، اجتماعی و فردی اضافه گردند، آنجاست که مفاهیم سیاسی، اجتماعی فردی / بشری افاده میگردند که بحث های حقوق ملی، حقوق اجتماعی و حقوق فردی و بشری را مدلل میسازد که در ابعاد وسیع تر بر هر موضوع آن میعوانیم عمیق گردیم.

ما در این خامه بیشتر بر مفهوم سیاسی استقلال و آزادی ملی متمرکز میگردیم که دروای آنها اهمیت تاریخی، ضرورت کنونی و آینده بینی جامعه ملی را به بحث گیریم.

پس چه تعریفی از دو مفهوم آزادی و استقلال سیاسی میتوان بدست داد؟

استقلال و آزادی سیاسی - ملی عبارت از داشتن حق خود ارادیت برای تعیین سرنوشت یک ملت، متکی بر اراده شهروندان، بدون اعمال نفوذ توسط نیروهای بیگانه خارجی و یا اعمال بیگانه گان است. آزادی سیاسی بیشتر مفهوم تعمیل استقلالیت و عدم وابستگی در تعیین سیاست، مسیر رشد و انکشاف و تعیین خط سیاسی ملی (داخلی و خارجی) برای یک ملت میباشد که توسط یک دولت دارای حاکمیت ملی تمثیل، تعیین و اجرا میگردد. مفهوم آزادی ملی بدین امر است که شهروندان در تمام عرصه های زنده گی اجتماعی، سیاسی و اقتصادی حقوق را کسب مینمایند که توسط دستگاه دولت با قوانین اساسی و قوانین فرعی و سایر اسناد حقوقی تضمین میگردد و شهروندان در پاسبانی نهاد های حراست قانون مورد حمایت قرار میگیرند. اصل عمده در مفاهیم استقلال و آزادی اطمینان و اعتماد روانی شهروندان میباشد که خود را فارغ از هر گونه تشویش مصئون احساس مینمایند.

در مفهوم استقلال ملی مفاهیم با ارزش دیگری مانند حاکمیت ملی بر تمامیت ارضی، اقتدار ملی، منافع ملی برای سرنوشت ملی، دولت ملی و اراده ملی گره خورده اند، بدون یکی از این مفاهیم اصل استقلال ملی میتواند مورد سوال قرار گیرد. نباید یک نکته مهم را فراموش نمود که مفاهیم استقلال و آزادی ملی با انکشاف، ترقی ملی، روشنگری و تحول فرهنگی آمیخته اند. روی همین واقعیت است که در هر پروسه استقلال طلبی و آزادیبخش، ارتجاع و عمل جهل و عقب گرایی در تقابل فرهنگی قرار میگیرند. سیر تاریخ تمدن استقلال طلبی و ضد استبداد نشان داده است که عمل ارتجاع بیشترین استفاده را از اعتقادات مذهبی مردم در حفظ پدیده های کهنه و مقاومت در برابر نو و نواندیشی سیاسی و اجتماعی مینمایند و از مذهب روپوش و وسیله تحریک احساسات مردم عوام بر علیه این پدیده های نو و نو اندیشی استفاده مینمایند. برای توضیح بیشتر این نکته مطالعه مقاله وزین و تحلیلی محترم احسان لمر در سایت وزین افغان - جرمن را که در زیر لنک داده شده است مشورت میدهم.

<http://www.afghan-german.net/upload/Tahlilha PDF/leamar e nahzat amani1.pdf>

اکنون بر میگردیم بر اصل موضوع که چرا ما مفهوم استقلال ملی یکصد سال قبل را از کدام دیدگاه ها به ارزیابی میگیریم و ارزش های آنها را در همان مقطع سیاسی و پیامد های آنها، در پرسه های یک صد سال اخیر به ارزیابی میگیریم.

مقدم بر همه باید تذکر داد که شاه امان الله بحیث یک جوان تحول پسند، ترقیخواهد ولی احساساتی تحت تاثیر یک نهضت قرار داشت که قلم، ترقی خواهی، آزادی پسندی، رشد ژورنالیزم و رشد ابراز نظر به تکوین اندیشه ترقی خواهی و ضد استبدادی بر این نهضت مسلط بود. شاه ترقی خواه در همان جو فکری، شعار پیشرفت، فرهنگ مدرن، تشویق تحصیلکردگان و سهمگیری زنان در شناخت حقوق اجتماعی شان را میداد. برای شاه جوان الگو های مانند ایده های اتاترک و ایده های جدید بعد از جنگ اول جهانی و تغییرات سیاسی در روسیه انقلابی، تحت رهبری لینن اثر بخش بودند. تعداد چهره های اجتماعی ملی گرا و ترقی خواه و ضد استبداد از هر کج و کنار کشور این نهضت را همراهی مینمودند. اگر محمود طرزی سرآمد قلم و ژورنالیزم بود، محو ولی خان دروازی بزرگ ترین دیپلمات هوشیاز، توانا و زیرک بود که این نهضت ترقیخواهی را در خارج کشور تمثیل مینمود. محمد عثمان خان پروانی در زیر چوب اعدام استبداد نادری گفت "شکنجه مرگ ما لحظه بیش نیست ولی

محاسبه مردم با شما شکنجه یست ابدی ". بهمین ترتیب بزرگمردان دیگری چون عبدالرحمن لودین، فیض محمدکاتب، غلام محمد میمنگی، ملکه ثریا، عبدالهادی داوی، غلام محمدغبار، شجاع الدوله غوربندی، محمدرحیم شیون ضیائی، میرسید قاسم، غلام محی الدین أفغان، بابا عبد العزی، کاکا سید احمد لودین، ماما محمد ابراهیم ساعت ساز، سردار عبدالحبیب، مولوی عبدالروف خاکی، محمد حسین راقم و ده‌های دیگر که شاه امان الله جز این نهضت ترقی و آزادیخواه و ضد استبداد بود که از هر منطقه افغانستان و از هر قوم و تبار بخاطر وطن و هدف واحد این مبارزه را قوام میبخشیدند. با آنکه دوره استبداد نادر خانی تعداد این مبارزین وطن را اعدام، تبعید نمود و به زندانها انداخت، ولی ادامه این نهضت ملی پایه های فکری و مبارزاتی را برای نهضت های بعدی گذاشت. یعنی نهضت جوانان افغان اساس فکری برای نهضت ویش زلمیان و بعدن نهضت رو شنفکری سالهای شصت و هفتاد در افغانستان گردید. این ارزش بزرگ دوره شاه امان الله و پیامد های بعدی را نباید با دیدگاه های تنگ نظرانه و حاشیه پردازانه به هیچ گرفت و چشم انکار بست.

مفاهیم استقلال و آزادی ملی در شرایط کنونی یک موضوع بحث برانگیز و قابل تحلیل است زیرا سوالات زیاد وجود دارد که مفاهیم مانند، دولت ملی، اقتدار ملی، حاکمیت ملی و خود اراده گی ملی را نمیتوان بر مبنی تعاریف اصلی انها و توضیح که در منشور ملل متحد تعریف گردیده اند، مصداق حکم و توجیه پیدا نماید و آن مبتنی بر دلایل زیر:

1-حکومت تنظیم های جهادی در سال 1992 بر اساس پلان و اراده پاکستان، آمریکا و انگلیس به وجود آمد، جنگ های بین التنظيمی مستقیمین از جانب کشورهای خارجی مانند، پاکستان، عربستان سعودی و روسیه رهبری و پشتیبانی مالی و تسلیحاتی میگردیدند. حزب اسلامی مربوط آقای حکمتیار با همکاری مستقیم با آی اس آی جنگ ها در کابل را پیش میبرد. تنظیم های مانند جمعیت و وحدت هدايات از روسیه و ایران بدست میآوردند.

2-حکومت طالبان در سال 1996 مساقیمین تحت اراده آی اس آی از سرحد سپین بولدک داخل قندهار شدند. اولین گروه طالبان در موتر های بار بری پاکستانی که تحت نام کمک های بشر دوستانه راهی ترکمنستان بودند، در سپین بولدک پیاده شدند و با تصرف سرحد بطرف قندهار مارش نمودن که با فوتو های ظاهر شاه مردم را با فریب ابلیسانه انگلیسی از آمدن این شاه مژده میدادند. طالبان خود فرخته ترین عمال حکومت پاکستان، ترویج دهنده فرهنگ عقب مانده پاکستانی و دیوبندی، ترویج دهنده کلداری پاکستانی به عوض پول افغانی و حتی ترویج زبان اردوی پاکستانی بودند. لوحه ها بالای تعداد زیاد دوکانها در افغانستان به زبان نفرت آفرین پاکستانی بودند. رهبران طالبان در همجواری سرحد یعنی قندهار، روابط روزانه برای تطبیق هدايات آی اس آی تأمین مینمودند. بطور کوتاه، حکومت طالبان شالوده اهداف و سیاست پاکستان و در تبانی با غرب به وجود آمد و ادامه داد.

3-حکومت بعد از سال 2002 نیز بر نفوذ سیاسی و مداخله مستقیم دستگاه های نظامی، استخباراتی و سیاسی آمریکا به وجود آمد. مداخله نظامی آمریکا بدون کدام مجوز قانونی و نورم های بین المللی صورت گرفته است. با آنکه حکومت ظالم، استبدادی قرون اوسطائی طالبی سر نگون گشت، اراده آمریکا در تعیین حکومت و حکومت داران مستقیمین اساس برای احیا و ادامه تضمین شده منافع منطوقی و

استراتژیک آمریکا بوده است. اکنون باید واضحی بیان نمود که موجودیت آمریکا در افغانستان نقض صریح حاکمیت ملی، تمامیت ارضی و سلب حقوق ملی شهروندان برای خود ارادیت شان بوده است و ادامه دارد. حال اگر حتی، تا حد تخلیه صفری، نظامیان آمریکائی از افغانستان خارج گردند، موجودیت هزاران کارمندان استخباراتی سی آی ای و صد ها جاسوسان افغانی الاصل در داخل کشور و نظام نمیتوان حرف از آزادی ملی، دولت ملی به اراده ملت بمیان آورد.

اکنون ما باید یک مسأله دیگری را مطرح نمائیم و آن نتیجه گیری ها در یکصد سال بعد از استرداد استقلال کشور و بحث آینده نگری برای فردا ها و حتی یکصد سال آینده باید مطرح و مورد تبادل نظر حلقات ترقیخواه، روشنگر و آزادیخواه قرار گیرد که احیای و حفظ استقلال و آزادی ملی، انکشاف و سیر رشد کشور را در یک پروسه طولانی مطرح نمایند که در آنها مفاهیم ترقی ملی، خود ارادیت برای تعیین سرنوشت، استقلال، هویت ملی، اراده ملی و وفاق ملی برای اهداف ملی مطرح گردند که رشد فرهنگ عالی و مدرن ما را در پذیرش مفاهیم ملی نایل گرداند. این بدون شک یک پروسه طولانی و بدون چالش ها نیستند، ولی اراده و هدف واحد برای ملت و ملت خواهی میتواند توانائی های حلقات ترقی خواه و روشنگر را به هم گره بزند.

من با ارزیابی از مطالب که به تحریر و تحلیل در این مقاله گرفتم، یکصد و مین سالگرد استرداد استقلال کشور را گرامی میدارم و به شهدا و قهرمانان راه آزادی، ضد استبداد و ترقیخواه کشور ادای احترام نموده یاد شان را گرامی و جاویدان میخوام.

با حرمت
بصیر دهباز